

A Review of the Ethical Codes in the Profession of Conservation of Historical Relics

*Fatemeh Alimirzaei*¹, *Samad Samanian*^{2*}

1. Ph. D Student of Restoration of Cultural and Historical Objects, Faculty of Conservation and Restoration, Iran University of Art, Tehran, Iran; and The Researcher of the Research Center for Conservation and Restoration of Historical and Cultural Relics.

2*. Professor in Department of Handicrafts Faculty of Applied Arts, Iran University of Art, Tehran, Iran.

Abstract

The conservation of historical artifacts, as a profession that closely linked to the prevailing history and culture in individual and social life, carries a heavy mission and responsibility towards the creators and owners of these artifacts in the past, present, and future. On the other hand, despite the diversity of thoughts, desires, and approaches, it is an activity that must be conducted within a specific scientific and theoretical framework. Conservators, while adhering to this specified framework, must also consider particular ethical considerations. These considerations are crucial not only for maintaining the quality and clarity of conservation activities for the conservators and their audience but also for making them aware of the ethical consequences of their actions and the ethical standards used to evaluate those actions. These ethical considerations have been variously addressed in the theories and documents related to the conservation and restoration field as the profession has evolved. In this research, an attempt is made to provide definitions and basic concepts related to the topic, alongside examples of ethical codes in the conservation profession with an interpretive approach. The aim of this research is to understand the role and function of ethics in conservation and restoration processes and some ethical considerations when dealing with artifacts. To this end, To this end, ethical conduct documents prepared by several conservation institutions, such as the American Institute for Conservation (AIC), the Canadian Association for Conservation (CAC), the International Council of Museums Committee for Conservation (ICOM-CC), the European Confederation of Conservator-Restorers' Organisations (ECCO), and the United Kingdom Institute for Conservation (UKIC), have been examined as case studies. The reviews revealed that these documents strive to define the boundaries of professional conservation, with the primary goal of protecting public assets and gaining public trust and social approval for the profession. Therefore, they focus on the interests of humanity rather than professional interests and develop conservation ethics based on attention to universal values and a focus on cultural values.

Keywords: Minium pigment, Art Treatises, Safavid Illustrated Manuscripts, Colorimetry, Color Difference



**Knowledge of
Conservation and
Restoration**

Vol. 6(4) No.18
March 2024

<https://kcr.richt.ir/>

Pages: 2 to 16

Corresponding Author
Samad Samanian

Professor in Department
of Handicrafts Faculty
of Applied Arts, Iran
University of Art, Tehran,
Iran.

Email
Samanian@art.ac.ir

مروری بر قواعد اخلاقی در حرفه حفاظت آثار تاریخی

فاطمه علیمیرزایی^۱، صمد سامانیان^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری رشته حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی، گروه مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران، و پژوهشگر پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی.

۲. استاد، گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

چکیده

حفاظت از آثار تاریخی به عنوان حرفه‌ای که ارتباط مستقیم با تاریخ و فرهنگ جاری در زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه دارد، مأموریت و مسئولیت سنگینی در برابر سازندگان و صاحبان آثار در گذشته، حال و آینده عهده‌دار است. از سویی علی‌رغم تعدد تفکرات، خواسته‌ها و رویکردهای گوناگون، فعالیتی است که باید در یک چهارچوب علمی و نظری مشخص صورت‌پذیرد. حفاظت‌گران ضمن توجه به این چهارچوب مشخص، بایستی ملاحظات اخلاقی خاصی را نیز مدنظر قرار دهند. این ملاحظات نه تنها برای حفظ کیفیت و روشن‌بودن خط مشی فعالیت‌ها برای خود حفاظت‌گران و جامعه مخاطب ضروری هستند، آنها را از پیامدهای اخلاقی اعمال‌شان، و نیز معیارهای اخلاقی که برای ارزیابی آن اعمال استفاده می‌شوند، آگاهی‌سازند. این ملاحظات اخلاقی به صورت‌های مختلف در نظریه‌ها و اسناد حوزه حفاظت و مرمت در سیر تکامل این حرفه مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این پژوهش، تلاش شده است تا ضمن ارائه تعاریف و مفاهیم اولیه مرتبط با موضوع، مثال‌هایی از قواعد (کدهای) اخلاقی حرفه حفاظت با رویکرد تفسیری ارائه شود. هدف از این پژوهش، شناخت جایگاه و کارکرد اخلاق در فرایندهای حفاظت و مرمت، و برخی ملاحظات اخلاقی در مواجهه با آثار است. برای این منظور، سند رفتار اخلاقی تهیه شده توسط برخی از مؤسسات حفاظتی، همچون مؤسسه آمریکایی حفاظت (AIC)، انجمن کانادایی حفاظت (CAC)، کمیته حفاظت از شورای بین‌المللی موزه‌ها (ICOM-CC)، کنفدراسیون اروپایی سازمان‌های حفاظت‌گر (ECCO)، مؤسسه انگلیسی حفاظت (UKIC) به عنوان مطالعات مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بررسی‌ها نشان داد که این اسناد تلاش دارند مرزهای حفاظت حرفه‌ای را مشخص کنند، و هدف اصلی آن‌ها حفاظت از سرمایه عمومی، و به دست آوردن سرمایه و تأیید اجتماعی برای این حرفه است. به همین جهت، به جای علایق حرفه‌ای، بر منافع بشریت تمرکز دارند و اخلاق حفاظت را مبتنی بر توجه به ارزش‌های جهانی و تمرکز بر ارزش‌های فرهنگی توسعه داده‌اند.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه‌ای، حرفه حفاظت و مرمت آثار تاریخی، اخلاق حفاظت، قواعد (کدهای) اخلاقی حفاظت



فصلنامه دانش حفاظت و مرمت

سال ششم، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۸
زمستان ۱۴۰۲

<https://ker.richt.ir/>

صفحات: ۲ تا ۱۶

نویسنده مسئول

صمد سامانیان

استاد، گروه صنایع دستی، دانشکده
هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر ایران،
تهران، ایران.

رایانامه

Samanian@art.ac.ir

مقدمه

یک اثر فرهنگی در بدو امر ایده‌ی تجسم‌یافته در قالب ماده است، که می‌تواند خصوصیات فرهنگی جامعه مولد خود را بنماید. بدین معنا که علاوه بر اینکه دارای ویژگی‌های مادی ذاتی آسیب‌پذیر است، دارای مفاهیم گوناگون اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و... نیز می‌باشد. بنابراین حفاظت، هر دو بخش مادی و معنوی یک اثر را دربر می‌گیرد، و متأثر از تصمیمات اخلاقی و حرفه‌مند، و بر پایه دآوری علمی و ارزشی از شیء و شرایط موجود پیرامون آن شکل می‌گیرد. در همین راستا، حفاظت مطلوب مستلزم آن است که متخصصان، هدف حفاظت را درک کنند و ضمن بررسی تغییرات و اصلاحات لازم در اصول حفاظت، برخی ملاحظات اخلاقی را نیز در انتخاب روش‌هایشان مدنظر قرار دهند. ملاحظاتی که ممکن است در چهارچوب ملاحظات علمی و عینی مرمت نگنجد، اما موجب پیشرفت این رشته شود. برخی معتقدند که ملاحظات اخلاقی همان اصول حفاظت کلاسیک هستند. اما اصول حفاظت کلاسیک، به‌طور دقیق و با استفاده از زبان فلسفی، به‌معنای اخلاق وظیفه‌گرایانه هستند، و چهارچوب نظری تخصصی این حرفه را پشتیبانی می‌کنند. بنابراین، اخلاقی بودن اقدامات حفاظتی حفاظت‌گران، تنها به‌دلیل پیروی از اصول حفاظت کلاسیک نیست، بلکه به‌دلیل پیروی از نوع دیگری از قواعد اخلاقی ذیل اخلاق نتیجه‌گرا یا عمل‌گرا است. اخلاق عمل‌گرایانه در حمایت از تصمیمات حفاظتی، ارزیابی و توضیح مناسب‌تری ارائه می‌دهند. بنابراین، شناخت مفهوم اخلاق و قواعد اخلاقی در فرایند حفاظت و مرمت، موضوعی است که بخشی از دل دیدگاه‌های نظریه‌پردازان و اندیشمندان، خوانش و واکاوی اسناد حوزه حفاظت و پژوهش‌هایی که پیرامون این موضوع صورت گرفته است، فراهم می‌گردد. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که مفهوم اخلاق در حفاظت چیست، و چگونه در سیر تکامل این رشته به‌سوی حرفه‌مند شدن اهمیت و جایگاه پیدا کرده است؟ این بررسی، نتایج واکاوی اسناد و منشورهای بین‌المللی، و ادبیات پژوهشی حوزه حفاظت و مرمت را دربر می‌گیرد. هدف از این پژوهش آشنایی با ادبیات اخلاق حفاظت به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در این حوزه و قواعد اخلاقی در روند رشد این رشته است.

رویکرد این پژوهش تاریخی-تفسیری، و روش مطالعه کیفی است. روش‌های گردآوری اطلاعات شامل: گردآوری

داده‌های موجود از دل اسناد و پژوهش‌های حوزه حفاظت، و ابزار پژوهش شامل منابع اطلاعاتی نوشتاری و دیجیتال می‌باشد. در نهایت، واکاوی داده‌ها از طریق تحلیل محتوا صورت گرفته است

پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع اخلاق و حفاظت در ایران مکاتبات و مطالعات محدودی وجود دارد، که بخشی توصیفی و در بردارنده برخی باید‌ها و نیایدهاست (علی سخن‌پرداز، ۱۳۸۸؛ ارژمند و امین‌پور، ۱۳۹۴؛ دریایی، ۱۳۹۵) و بخشی دیگر جنبه استدلالی و تبیینی دارند؛ و با ارائه تعاریفی از اخلاق در محدوده دانش فلسفه و تحلیل مفروضات رویکرد معاصر، به بحث نظری پرداخته‌اند (رمضانی، ۱۳۹۸، فرهمند، ۱۳۹۸). در منابع خارجی، علاوه بر ارائه مفاهیم نظری، تاریخچه و تعاریفی از شکل‌گیری اخلاق در ارتباط با حرفه حفاظت، قواعد اخلاقی ناظر بر این حرفه، مصادیقی از مسائل و راه‌حل‌های اخلاقی، اخلاق حفاظت در ارتباط با علوم مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و ... مورد پژوهش قرار گرفته است.

از جمله این اسناد و پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش‌هایی که در بیان جایگاه و اهمیت قواعد اخلاقی در اقدامات حفاظتی اشاره دارند پرداخت، از آن‌جمله پژوهش‌های کلاویر (۱۹۹۸)، واتکینسون (۲۰۰۶)، سائیز (۲۰۱۳)، اسکات و اسمیت (۲۰۰۹) است که حفاظت را به‌عنوان یک حرفه متمایز از مرمت سنتی و ناشی از تغییر در ارزش‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند و اهمیت قواعد اخلاقی که باید فراگرفته و دایماً بروز شوند را متذکر شده‌اند (Saaze, 2013; Clavir, 1998; Scott-Smith, 2009; Watkinson, 2006).

گروهی از پژوهش‌گران، اخلاق برخورد در حفاظت و مرمت اشیاء تاریخی را مبتنی بر تفاوت جوامع دانسته و برای تصمیم‌گیری‌های حفاظتی، زمان و مکان قائل شده‌اند. آنها با تکیه بر دو رویکرد مدرنیسم و سنتی در شیوه‌های حفظ میراث، ارزش‌های اخلاقی را در کنار ارزش‌های تاریخی، روایی، سنی و ... به‌عنوان بخش مهمی از ملاحظات در راستای اقدامات صورت گرفته، معرفی کرده‌اند (2020; Gavin et al., 2015; Matthes, 2016; Karlström, 2013; Peterson et al., 2014; Ashely-smith, 2009; byrne, 2014).

گروهی دیگر نوع و نحوه تأثیرگذاری موضوعات گوناگون مانند

هویت و مالکیت فرهنگی، حقوق قانونی، حقوق بشر جهانی، سیاست و سرمایه‌داری را در شکل‌گیری هنجارهای اخلاقی حفاظت مورد مطالعه قرار داده‌اند (2004; Watkinson, 2006; Kapelouzou, 2012; Meskell, 2010; Rowney, Soderland et al., 2015).

برخی دیگر از پژوهشگران نیز با رجوع به پارادایم‌های فلسفه اخلاق، اخلاق حفاظت را از منظر این پارادایم‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال کمپ و ویناس ملاک بررسی و تفهیم مقوله‌ها در اخلاق عملی حفاظت را ذیل دو پارادایم وظیفه‌گرایی و فایده‌گرایی مورد بررسی قرار داده‌اند (Kemp, 2005; Muñoz Vinas, 2009); ماتس حفظ تاریخ را اساساً مربوط به مسائل اخلاقی دانسته و شاخه‌ای تحت عنوان "اخلاق حفظ تاریخ" را برای آن دسته از مشاغل که با حفظ آثار تاریخی سروکار دارند، تعریف کرده است (Matthes, 2016); و بسیاری موارد دیگر که انتظام‌بخشی به نتایج آنها در کنار نتایج حاصل از بررسی اسناد و نظریه‌های موجود در این حوزه، می‌تواند شمایی از ادبیات اخلاق حفاظت و تغییرات آن در مسیر رشد و تکامل این حرفه را ترسیم نماید، اما طرح آنها در این مجال نمی‌گنجد.

اخلاق چیست؟

اخلاق یک علم مرتبط با رفتار و منش انسان و تابع معیارهای قابل‌شناخت است. این علم، از آغاز تشکیل جوامع مدنی اولیه به‌وجود آمده و نتیجه یک سلسله تفکرات و پندها از پیش‌آمدهای هادی زندگانی روزمره بوده که همه مردم در آن مشارکت داشته‌اند (مشایخی، ۱۳۹۰). از آنجاکه اخلاق یکی از ابزارهای هدایت افراد و گروه‌های کوچک‌تر در تمامیت هر جامعه‌ای است، به‌عنوان یک نظام و نهاد اجتماعی زندگی، در عین تفاوتی که با هر دوی قانون و عرف دارد، از یک‌سو به مثابه قانون و از سوی دیگر مانند عرف در ساماندهی اجتماعی عمل می‌کند (فرانکنا، ۱۹۷۳). اخلاق، مبتنی بر بینشی واقع‌بینانه درباره آنچه برای آدمیان امکان‌پذیر باشد، به ما می‌گوید چه کاری باید و چه کاری نباید انجام دهیم (ریچلز، ۱۹۹۳). اخلاق، قواعد و دستورهای مانند منطق و زیبایی‌شناسی برای عمل مقرر می‌دارد، پس علمی دستوری است و احکامی که صادر می‌کند، احکامی ارزشی است. در علوم دستوری همواره تقابل بین ارزش‌های خوب و بد وجود دارد، و می‌تواند موجب بروز تعارض گردد (نیگل و همکاران،

۲۰۰۶). اینجاست که نظریه‌های اخلاقی با فراهم کردن قالبی منطقی جهت فهم ابعاد رفتار انسان، ضمن کمک به شناخت تعارض‌ها و مسائل دشوار اخلاقی، ابزاری جهت حل مسائل ایجاد می‌نمایند (فرانکنا، ۱۹۷۳). از جمله‌ی این نظریه‌ها، نظریه‌های هنجاری هستند که می‌گویند ارزش‌گذاری همواره مقدم است و داوری‌های اخلاقی به داوری‌های ارزشی وابسته هستند (فرانکنا، ۱۹۷۳).

نظام‌های اخلاق هنجاری، تلاش می‌کنند تا معیارهایی را تعریف و تبیین کنند تا افراد، حتی اگر مصالح‌شان از بسیاری جهات با هم متفاوت است، بتوانند به هنجارهای عامی که در خدمت خیر عمومی هستند ملتزم باشند (نیگل و همکاران، ۲۰۰۶). از جمله مباحث اخلاق هنجاری این است که در اوضاع و احوال خاص چه باید و چه نباید کرد؟ به‌عبارت دیگر، چگونه اصول اخلاقی را بر انواع موارد خاص تطبیق دهیم و اطلاع یا اعمال کنیم؟ اینجاست که انواع اخلاق‌های هنجاری خاص، از جمله: "اخلاق حرفه‌ای حفاظت" معنا پیدا می‌کند، و به‌عنوان جزئی از یک کل که همان "اخلاق کاربردی یا عملی" است، خوانده می‌شود (ملکیان، ۱۳۹۶). اخلاق حرفه‌ای، تکالیف اخلاقی در هر حرفه و مسائل اخلاقی آن را بررسی می‌کند و در صدد ارائه شیوه‌ها و دستورالعمل‌هایی است که این تکالیف را برای افراد و گروه‌های حرفه‌ای تعیین کند، تا به چهارچوب اخلاقی مشترکی دست یابند (عاملی، ۱۳۸۸). اخلاق حرفه‌ای بر دو بخش است: ۱- چهارچوب اخلاقی مشترک در درون حرفه؛ و ۲- توافق در مسائل سخت اخلاقی برای افراد با ارزش‌های مختلف در بیرون حرفه (Goldman, 1980); که نمی‌توانند جدا از اخلاقیات محض درک شود (Scarre, 2009). اخلاق حرفه‌ای حفاظت و مرمت نیز از این تقسیم‌بندی خارج نیست.

اخلاق حرفه‌ای

ویژگی بارز یک حرفه، پذیرش مسئولیت عمل در جهت منافع عمومی است و این مستلزم آن است که اعضای آن حرفه به‌طور صریح متعهد شوند که پیشرفت شخصی خود را در اولویت دوم بعد از این مسئولیت قرار دهند. یک موضوع مشترک برای هر حرفه توجه به منافع مشروع مشتریان، کارفرمایان، کارمندان و جوامع مختلف دیگر براساس عینیت و صداقت است، این درحالی‌ست که جزئیات دقیق عمل در جهت منافع عمومی متفاوت خواهد بود. نقطه مقابل این مسئولیت‌ها مجموعه‌ای از ویژگی‌ها شامل حق مشارکت در خودتنظیمی، حق انحصاری

برای انجام وظایف خاص، یا به رسمیت شناختن یک وضعیت خاص است (Mansfield, 2008). بدین معنا حرفه‌ها دارای قواعد اخلاقی و رفتاری هستند که برای تنظیم اعمال اعضای خود و در بعضی موارد به عنوان یک بستر برای اقدامات انضباطی (Pritchard, 1997) طراحی شده‌اند. بسیاری از دولت‌ها، نظم‌بخشی حرفه‌ای را راهی مقرون به صرفه برای پاسخ‌گویی به انتقادات عمومی، بدون تحمیل هزینه‌های اضافی و یا ضرورت تدوین و اجرای قوانین به این منظور می‌دانند (O'Keefe, 1998). در بسیاری از موقعیت‌ها، این امر متخصصان را به موقعیتی زبده ارتقا می‌دهد.

چشم‌انداز اخلاق حرفه‌ای متشکل از انتخاب‌ها، تصمیمات و کاربرد عملی ارزش‌ها و اصول مشترک است (Mansfield, 2008). یک مسأله کلیدی در این رویکرد این است که متخصصان و افراد حرفه‌مند باید روی حرفه خود تأمل کنند و در صورت لزوم با مدنظر قراردادن ملاحظات اخلاقی، انتخاب‌های خود را در برابر قوانین عملی که در مبانی خاص حرفه ایجاد شده است، ملاک قرار دهند.

اخلاق حرفه‌ای از ریشه‌های عمیق فلسفی برای توسعه آداب و رسوم و هنجارهایی که به شکل‌گیری عملکرد معاصر کمک می‌کند، نشأت می‌گیرد. بسیاری از مفروضات حرفه را زیر نظر انتقادی قرار می‌دهد و می‌پرسد آیا آنها به اندازه کافی سازگار، جامع و الهام‌بخش هستند. این رویکرد اخلاقی، علی‌رغم تدوین مکتوب مسئولیت‌های حرفه‌ای، اغلب می‌تواند توسط فلسفه‌های رقیب و خواسته‌های عمل‌گرایانه‌تر گروه‌های ذی‌نفع مختلف به خطر بیفتد. تحت چنین فشارهای حرفه‌ای، ارائه راهنمایی‌ها و توصیه‌های مستحکم از سوی نهادهای حرفه‌ای برای متخصصان به منظور اطلاع‌رسانی در مورد فرآیندهای مختلف تصمیم‌گیری، خود اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با وجودی که ممکن است در بین حرفه‌ها اولویتی که به ارزش‌ها و اصول مختلف داده می‌شود متفاوت باشد، اما به احتمال زیاد صداقت، عینیت، شایستگی و مراقبت و رازداری قواعد اخلاقی مشترک برای اکثر این نهادهای حرفه‌ای هستند (Mansfield, 2008). این قواعد همچنین ممکن است در جایگاه معیارهای اندازه‌گیری، به عنوان ابزاری عمل کنند که امکان ارزیابی اقدامات متخصصین را فراهم نمایند (Sease, 1998). ذکر این نکته نیز ضروری است که تعیین محتوای یک قاعده اخلاقی، می‌تواند مجموعه‌ای متفاوت از مشکلات را نیز ایجاد کند، چرا که این قواعد اغلب اقدامات

متخصصان را به گونه‌ای هدایت و محدود می‌کنند که لزوماً از عادات اجتماعی فاصله می‌گیرند. این امر احتمال تضاد بین ارزش‌های حرفه‌ای آنها و ارزش‌های جامعه را افزایش می‌دهد (Cohen-Charash, 2001). بنابراین، برای اثرگذاری بیشتر در درازمدت، قواعد اخلاقی باید انعطاف‌پذیری کافی داشته باشند تا بتوانند با پیشرفت حرفه و توسعه دانش و مهارت‌ها، خود را با تغییرات تطبیق دهند، زیرا در این فرآیند نگرش‌ها و استانداردها به ناچار تغییر خواهند کرد. همچنین، بایستی بین مدهای گذرا و باورهایی که ارزش‌های گسترده‌تر حرفه را به عنوان یک کل منعکس نمی‌کنند، تمایزهای روشنی قائل شوند (Sease, 1998). قواعد اخلاقی منتشر شده بر اساس بررسی دقیق مسائل اخلاقی که مربوط به فعالیت‌های حرفه‌ای خاص هستند، اگرچه به عنوان عبارات حرفه‌ای مناسب هستند، اما در واقع اصول اخلاقی قراردادی هستند و به عنوان یک احتیاط احتمالی در برابر مشکلات مفروض استفاده می‌شوند (Mansfield, 2008).

حفاظت و مرمت آثار تاریخی به عنوان یک حرفه

حفاظت و مرمت به عنوان یک رشته ترکیبی، به حفاظت از میراث فرهنگی با مشاهده و تجزیه و تحلیل ساختار، آسیب‌ها و حفظ فرهنگ مادی، اختصاص داده شده است. انجام تحقیقات برای تعیین علت، تأثیر و حل مشکلات و مداخلات درمانی و پیشگیرانه با تمرکز بر حفظ یکپارچگی و کیفیت مواد تاریخی موجود و رعایت روش‌های تأیید شده توسط انجمن‌های مربوط به آن، انجام می‌شود. حفاظت، مانند حقوق، الهیات، پزشکی، و معماری، یک حرفه آموخته شده است و آموزش علمی برای انجام کار عملی موفق، نقش مهمی در آن دارد. در واقع به عنوان یک حرفه، فعالیت‌های آن در یک چهارچوب نظری، تعریف و شکل می‌گیرد و تغییرات و اصلاح آن به صورت تجربی انجام می‌شود. ارتقاء هر دو حوزه نظر و عمل در حرفه حفاظت و مرمت آثار تاریخی، این دانش را به ایجاد رویکردهای جدید، به طوری که مشکلات به آسانی حل شود، نزدیک می‌کند. این حرفه همانند سایر حرفه‌ها در چهارچوب تحصیلی معتبر و سازمان‌های حرفه‌ای با استانداردهای مبتنی بر عمل و قواعد اخلاقی هدایت می‌شود. علوم و فن‌آوری‌هایی که با حفاظت در ارتباط هستند، باید در راستای اهداف و روش‌های آن توجیه شوند. "تاکنون سه نهاد حفاظتی در انگلستان به اعتباربخشی حرفه‌ای رشته حفاظت و مرمت در سال ۱۹۹۸ همکاری کردند،

اخلاق حفاظت از آثار تاریخی

حفاظت از آثار تاریخی به معنی نگهداری از یک مصنوع در طول زمان است، و اخلاق حفاظت به انتقال صادقانه مصنوعات در طول زمان اشاره دارد. حفاظت‌گران به ارزش‌هایی فراتر از اینجا و اکنون معتقدند، زیرا آنها در توافق با ادموند برک ارزش‌های یک جامعه را به "آنهايي که زنده‌اند، آنهايي که مرده‌اند، و کسانی که قرار است متولد شوند" متعلق می‌دانند (1979 Rodeny W. Kilcup). بنابراین، حفاظت و اخلاقیات دارای روابط پیچیده‌ای هستند. همان‌طور که اخلاقیات چشم‌انداز و ارزش‌های خود را دارد، حفاظت نیز دارد. انسان‌ها یا جوامع می‌اندیشند و رفتار یا اخلاق‌شان را شکل می‌دهند، همان‌طور که روش‌های غربال مختلفی را برای انتخاب نوع حفاظت متناسب با تاریخ و میراثشان انتخاب می‌کنند.

از آغاز تاریخ حفاظت، بحث‌های اخلاقی بر دو رویکرد فلسفی اصلی متمرکز بوده است که در مقابل یکدیگر استفاده می‌شدند، اما امروزه مکمل هم هستند. یکی از آنها بر پایه مشکلات ناشی از مداخله در میراث فرهنگی، و دیگری بر اساس سیاست پیشگیری از تخریب است. درحالی که امروزه یکی از اهداف اصلی اقدامات حفاظتی عبارت است از درک و تثبیت اصالت فیزیکی شیء در چهارچوب اخلاقی، به‌طوری که اطمینان حاصل شود که ماهیت ذاتی شیء تغییر نکرده است (2006 Delgado & Mimoso). چاره‌برندی، معتقد است که در روند شناخت تاریخی، زیبایی، انسان‌شناسی، یا ارزش هنری یک شیء و یا یک مکان است که انتخاب روش حفاظت اتفاق می‌افتد، چرا که خصوصیات این اشیاء یا سایت‌ها است که ارزش آنها را در ذهن یک فرد یا جامعه تصدیق می‌کند. رویکرد برندی، دلالت بر آن دارد که مصنوع نمی‌تواند مورد بی‌توجهی یا تحریف قرارگیرد، و مطابق با تئوری مرمت او روند ایده‌آل حفاظت، شامل کاهش منحنی نرمال زوال و حفظ آن به‌طور موازی با محور افقی زمان است. بنابراین، در عمل آشکار است که هرگونه مداخله می‌تواند باعث از دست‌رفتن بخشی از تاریخ، اطلاعات و شاید زیبایی اثر شود، و به این ترتیب زمینه‌ساز مداخله و در نتیجه آسیب بیشتر گردد. بنابراین، درک عمیق از حفاظت به‌تدریج راه توسعه اخلاق در حفاظت، با هدف تقویت حرفه حفاظت و هدایت فرایند حفاظت برای انتقال بی‌کم‌وکاست مصنوعات همراه با تمام ارزش و اطلاعاتی که با خود دارند را هموار کرد (1977-2000 Bran). تامل، اخلاق

با این وجود هنوز یک نهاد مرکزی قانونی برای نظام‌بخشی رشته‌های حفاظتی وجود ندارد" (2023 Owczarek).

علم، به‌معنای یک روش سیستماتیک و ساختاری برای درک دنیای مادی است که متفاوت از رویکردهای تاریخ، فلسفه یا زیباشناختی است. در حقیقت فناوری، استفاده از علم، یا مجموعه روش‌ها و مواد برای دستیابی به اهداف حفاظت و برخورد حرفه‌ای می‌باشد. اگر ما فرضاً بپذیریم که حفاظت با مطالعه علل تخریب آغاز شده، شاید بتوانیم بگوییم این زمینه دانشی (حفاظت) در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ همراه با توسعه آزمایشگاه‌های حفاظت در موزه و افزایش تعداد متخصصان متولد شد. اما حفاظت تنها با جنبه‌های فیزیکی اشیاء و اماکن انسان‌ساخت سروکار ندارد، بلکه با سؤالات فرهنگی پیچیده‌ای از باورها، اعتقادات و احساسات، و نیز زیبایی‌شناسی و... سروکار دارد. بنابراین باید محدودیت‌های روش علمی برای تولید انواع خاصی از داده‌ها را درک کرد. علم به تفسیر کمک می‌کند، اما نمی‌تواند و نباید معانی مطلق ایجاد کند یا تنها یک حقیقت را نشان دهد.

امروزه حفاظت به یک استراتژی عمده در شکل دادن و تفسیر دنیای فرهنگی ما تبدیل شده است. هر اقدام حفاظتی یک نوع استدلال است که بر ارزش‌های فرهنگی، تعریف، درمان، تفسیر و استفاده از گذشته تأثیر می‌گذارد. اغلب بحث‌های تاریخی برای یا برعلیه شناسایی، تعیین و نگهداری فیزیکی میراث فرهنگی بر مبنای شناخت‌شناسی دانش و حقایق استوار است. دانش و حقایق، توضیحاتی هستند که به اهداف حرفه حفاظت کمک می‌کنند و به‌نوعی رویکرد، که تحلیل‌های تاریخی و انتقادی را تصدیق می‌کند، اشاره دارند. نسبیت‌گرایی فرهنگی، چیزی است که حفاظت‌گران باید به آن توجه کنند و آن را فقط به خاطر ارتباطش با یک مسئله خاص رد نکنند، و از گفت و گو و تبادل نظر در سطح بالاتری از دانش و تخصص، برای رفع نگرانی‌ها و مسائل اجتماعی و جهانی بهره بگیرند.

در حفاظت معاصر ممکن است دیدگاه‌های ناسازگار و روش‌های کار کاملاً متضاد پیدا شود. یک دیدگاه می‌تواند دیدگاه ایده‌آلیستی باشد که به بازگشت غیرممکن شیء، ساختار یا سایت به اصلش که هرگز اتفاق نمی‌افتد، می‌اندیشد و دیدگاه دیگر نوع واقع‌گراست که تمام تغییراتی که در طول زمان در مورد شیء یا سایت ایجاد شده است را در حد مجاز و بر اساس ارزش‌های تاریخی درک و حفظ می‌کند (2000 Matero).

در حفاظت را مانند یک مثلث می‌داند که باید به سه موضوع و سؤال ضروری، شناخت آنچه که باید حفظ شود، چرا باید حفظ شود و چطور باید حفظ شود، بپردازد. پاسخ به این سه سؤال، می‌تواند رفتار صحیح و مناسب در فرآیند حفاظت را تضمین کند. پاسخ سؤال چه چیز؟ در واقع تاریخ، انسان، مذهب، مستندات، هنر و تمامی ارزش‌های وجودی شیء می‌باشد. پاسخ به سؤال چرا؟ درک عملکرد جسم و احترام به آن است. و پاسخ به سؤال چگونه، نوع و میزان مداخله را تعیین می‌کند. این بدان معنی است که فرآیند حفاظت اصولی نیازمند دانش کافی، حضور متخصصانی با مهارت، درک و حفظ عملکرد و اطلاعات شیء است (Tamara Sevy, 2018). با انتخاب آنچه که حفظ خواهد شد، فرد و اجتماع حافظه شخصی و جمعی خود را شکل می‌دهند. از این‌رو فرآیند حفاظت باید فقط در درون محدوده‌های اخلاقی درک و اجرا شود.

زیرا حفاظت معمولاً با طیف وسیعی از ذی‌نفعان مواجه است، و این بدان معناست که تصمیمات اخلاقی هم به شیء تحت حفاظت و هم به افراد علاقه‌مند به آن مربوط می‌شود، و بسته به نوع وابستگی هر یک از گروه‌ها (مخاطبان، متخصصان و دیگر گروه‌های ذی‌نفع) به شیء، می‌تواند متغیر باشد. در این میان رابطه حفاظت‌گر با این افراد ممکن است به دلیل دیدگاه‌های اخلاقی متفاوت، و احساس قوی‌تری که نسبت به کلیت موضوع دارد، شکل پیچیده‌ای پیدا کند (1988 Drysdale). حفاظت‌گر در نهایت وظیفه دارد، دیدگاه ذی‌نفعان و متخصصان را برای ایجاد یک چهارچوب اخلاقی یکپارچه به‌منظور حمایت از فرآیند حفاظت جمع‌آوری، غربال، هماهنگ و ترکیب کند. برای کمک به حفاظت‌گران در این فرایند، مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های اخلاقی و عملی توسط سازمان‌های حفظ ملی (AIC, 1994; UKIC, 2000) و CAC, 2000 منتشر شده است.

اصول مندرج در این دستورالعمل‌ها، بیانیه‌هایی اجتناب‌ناپذیر هستند و معمولاً قابل مشاجره نیستند. اما، باید به این نکته نیز توجه داشت که آثار تاریخی از نظر ماهیت متنوع هستند و در معرض انواع تخریب‌ها از جمله فرآیندهای طبیعی (مانند: خوردگی، پوسیدگی، صدمه ناشی از یخ‌زدگی و غیره)، و آسیب‌های انسانی (مانند: بی‌توجهی، نگهداری ضعیف یا عدم نگهداری، تعمیر نامناسب، خراب‌کاری، سرقت، تصادفات و غیره)، و تخریب در حین کاربرد (مانند: سایش، خستگی، خوردگی، عدم اصلاح/ارتقاء و تجدید به‌موقع قطعات) قرار دارند.

از طرفی، فشارها و محدودیت‌ها در فرایند حفاظت از آثار تاریخی نیز بسیار متفاوت است. ارزش آثار، مالکیت و الزامات دسترسی عمومی، نظارت، هزینه و در دسترس بودن مواد/مهارت‌ها، و تعدادی دیگر از عوامل که همگی در مقابل حفاظت اخلاقی قرار دارند، و عمل‌گرایی را به حفاظت‌گر تحمیل می‌کنند. بنابراین، فارغ از دستورالعمل‌های بین‌المللی موجود که به مسائل کلان اخلاقی می‌پردازند، راهنماها یا آیین‌نامه‌های عملی، متمرکز بر روی هر نوع ساختار و دستگاه، برای رفع تهدیدات و محدودیت‌های خاص موجود در هر بخش از حفاظت، مورد نیاز هستند. تهیه این موارد به دلیل تعدد موقعیت‌هایی که باید مورد توجه قرارگیرند دشوار است، اما با توجه به اینکه "بی‌اخلاقی در جزئیات" است، تلاش در این زمینه با منافع که به‌ذنبال دارد، جبران می‌شود. چنین راهنماهایی متخصصان را قادر می‌سازد به‌سرعت به مشاوره عملی دسترسی پیدا کنند، از مشکلات جلوگیری کنند و از تجربیات دیگران بیاموزند.

حفاظت، در قرن بیستم به‌طور سنتی به‌عنوان یک عمل علمی تلقی می‌شد که در آن حفاظت‌گران مهارت‌های فنی را برای حفظ مواد فرهنگی به‌کار می‌بردند. به‌تدریج با توسعه و تغییراتی که در ارتباط با این رشته اتفاق افتاد، به‌عنوان رشته‌ای که ابعاد و حوزه فعالیت آن توسط عوامل خارجی متعدد فنی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی، مالی، عملکردی و غیره تعیین می‌شود، معرفی شد (Bogusław, 2019). یکی از آخرین سندهای بین‌المللی حفاظت، سیاست حفاظت مناسب برای یک شیء یا مکان را بر اساس درک اهمیت فرهنگی و شرایط فیزیکی آن تعیین کرده است (ICOMOS, 2013). نظریه‌پرداز معاصر مونا ویناس، در کتاب "اخلاق در حفاظت"، معیارهای حفاظت را عوامل در حال تغییری مانند عوامل انسانی و ذهنی، لذت زیبایی‌شناختی، کنجکاوی، راحتی و بسیاری موارد دیگر معرفی کرده است که موجب می‌شوند، تصمیمات حفاظت و مرمت با هیچ استدلال عینی قابل توضیح نباشند (Muñoz Vinas, 2020). بنابراین، می‌توان گفت که تصمیمات در حفاظت صرفاً مبتنی بر دلایل عینی نیستند. یعنی براساس ویژگی‌های قابل اندازه‌گیری شیء یا براساس ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی که می‌توان دقیقاً کمی کرد، تعیین نمی‌شوند. فرآیند تصمیم‌گیری بر معیارهای اساساً ذهنی متمرکز است که به مجموعه ارزش‌های مربوط به هر موضوع خاص بستگی دارد. بنابراین، در برخی موارد می‌توان

قواعد اخلاقی آشنا هدایت می‌کنند. این قواعد به‌عنوان روشی برای موفقیت مؤسسات حفاظتی در تأمین نیازهای رشته حفاظت و رشد و بلوغ این حرفه مطرح شده‌اند. این مؤسسات قواعد اخلاقی را یک سند واحد برای یک حرفه چندوجهی می‌دانند، که اگرچه برای حل معضلات خاص در خصوص انتخاب روش درمان، برگشت‌پذیری درمان، حفاظت پیشگیرانه و دیگر موارد اجرایی در کار حفاظت موفق عمل کرده‌اند، اما در موضوعات پیچیده و حساس مبتنی بر تغییرات فرهنگی و هنجارهای اجتماعی و سیاسی و غیره از موفقیت لازم برخوردار نبوده‌اند (Sease, 1988).

"مؤسسه آمریکایی حفاظت" حفاظت از میراث فرهنگی را به‌عنوان یک نوع نظارت اخلاقی توصیف می‌کند. این مؤسسه و بسیاری دیگر از مؤسسات حفاظتی در کشورهای پیشرفته با تکیه بر مسائل اخلاقی، دستورالعمل‌هایی دربردارنده مقررات و معاهدات مربوط به مسائل اخلاقی حفظ و نگهداری اموال فرهنگی را فراهم کرده‌اند. اگرچه حفاظت‌گران همواره و تحت شرایط پیش‌بینی‌نشده و برای مقابله با نگرانی‌های گسترده‌تر اخلاقی ناگزیر از اجرای برخی از این استانداردها باز می‌مانند (AIC, 1997). اصول اخلاقی بوداپست نیز مانند اغلب قواعد اخلاقی ناظر بر انتخاب شیوه برخورد، مواد و مصالح مصرفی و حق‌الزحمه در زمینه مباحثات با صاحب اثر، مردم، مرمت‌گران دیگر، و ... می‌باشد (Budapest, 2002-2009).

مؤسسه گتی توانسته با انتشار مجموعه‌ای از اطلاعات، از قوانین به اخلاقیات برسد. بدین ترتیب که اخلاقیات را به‌معنای مقررات وضع شده‌ای در نظر گرفته که یک فرد یا یک جمع را هدایت می‌کند. وظایف و مسئولیت‌های آنها را به‌صورت عمومی، در مقابل یکدیگر و در رابطه با انجام حرفه‌شان تعریف و تعیین می‌کند (AATA, 2000).

همه موارد مطرح شده نشان می‌دهد که قواعد اخلاقی به‌لحاظ ساختار قائل به دو بخش می‌باشند. بخشی مباحث و موضوعات نظری ناظر بر اندیشه و رفتار مردم (صاحبان میراث) که در چهارچوب تصمیم‌گیری‌های حفاظتی مؤثرند، و بخشی فعالیت‌های عملی و تصمیم‌گیری‌هایی که مستقیماً با خود شیء مرتبط هستند و گاه یکی بر دیگری برتری داده می‌شود. هر چند پژوهش‌گرانی مانند سایز (۲۰۱۳) هستند که معتقدند، حفاظت از مواد، اساساً مادی و دارای جهت‌گیری علمی است، حتی اگر اخیراً سایر ظرفیت‌ها مانند مهارت‌های

تاریخچه یک شیء را دارای اهمیت دانست- زیرا وقایعی را به یاد می‌آورد- که نباید فراموش شوند، درحالی که در موارد دیگر حذف تاریخچه یک شیء ترجیح داده می‌شود، زیرا زیبایی یک اثر هنری ظریف را از بین برده است. گاهی ممکن است به اندازه‌ای به قصد یک هنرمند احترام گذاشته شود که یک اثر هنری آسیب‌دیده برای همیشه غیرقابل نمایش تلقی شود، اما همچنین ممکن است در شرایطی دیگر این امر آشکارا نادیده گرفته شود. گاهی اوقات ممکن است تلاش‌های زیادی برای حفظ اصل یک اثر انجام شود، درحالی که در برخی موارد دیگر ممکن است اصل یک اثر هنری آن‌قدر بی‌اهمیت تلقی شود که بتوان آن را کاملاً از بین برد، و در همه این موارد دلایلی منطقی و اساساً ذهنی برای توجیه یک عمل یا رد عمل دیگر وجود دارد.

برای برخی افراد، این تصور که تصمیم‌گیری در مورد حفاظت اساساً ذهنی است ممکن است ناخوشایند باشد. با این حال، حفاظت تنها از این طریق معنا پیدا می‌کند. ویناس معتقد است، اشاره به حفاظت به‌عنوان یک فرایند "علمی" یا "عینی"، ممکن است آن را برای افراد عادی جذاب‌تر کند، اما متخصصان باید به ماهیت رادیکال و ذاتاً ذهنی این فرایند، آگاه باشند. اگرچه معیارهای عینی هم مفید هستند و به حفاظت‌گران کمک می‌کنند تا تصمیمات فنی بهتری اتخاذ کنند (به‌عنوان مثال، هنگام انتخاب یک ماده پشتیبان ایمن‌تر، لاک با ماندگاری بیشتر یا چسب مؤثرتر)، اما مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها، از جمله اینکه کدام اشیاء باید استفاده یا حفظ شوند، اینکه کدام یک از ویژگی‌های یک شیء باید حفظ شود، یا برای انجام یک کار خاص چقدر باید تلاش کرد، ماهیت دیگری دارند (همان). بنابراین برای اتخاذ تصمیماتی که ماهیت ذهنی دارند، بایستی به شیوه‌ای صحیح و معقول از معیارهای ذهنی استفاده شود معیارهایی که خوشبختانه راحت‌تر با نیازهای کسانی که در نهایت حفاظت برای آنها انجام می‌شود، سازگار می‌شوند. و برای اتخاذ تصمیمات، همیشه باید از خود پرسیم که از چه راهی؟ و بر اساس کدام معیار؟ بنابراین حفاظت از هر اثر تاریخی نیازمند نوع خاصی از روش برخورد و ملاحظات اخلاقی خاص است.

برخی از قواعد (کدهای) اخلاقی حفاظت و کاربست‌پذیری آنها

حفاظت‌گران، صرف‌نظر از تخصص‌شان، کار خود را با طیفی از

مذاکره و هماهنگی در آن برای توجه به سایر وجوه آن، بیشتر مورد توجه قرار گرفته باشند (Saaze, 2013).

همان‌طور که در بالا مطرح شد، مسائل خاصی که در حال حاضر مورد توجه حفاظت‌گران هستند، عبارتند از کاربرد یک سند واحد برای یک حرفه متنوع، برگشت‌پذیری درمان، حفاظت پیشگیرانه، حساسیت فرهنگی، تجارت آثار باستانی، اعتقادات و باورهای مذهبی و غیره است.

قواعد اخلاقی به‌طور معقولی در بیان اصولی که باید کار حفاظت را برای موارد ساده راهنمایی کنند موفق هستند، اما آیا در ارائه راهنمایی برای موضوعات پیچیده مانند مواردی که در بالا گفته شد نیز به اندازه کافی موفق بوده‌اند؟ درحالی‌که بسیاری از چنین مسائلی پیامدهای مهمی برای عمل حفاظت دارند، قواعد اخلاقی تنها تا حدی در ارائه راهنمایی برای حفاظت‌گران که در تلاش برای حل مشکلات خاص هستند، موفق بوده‌اند. اغلب سازمان‌های حفاظتی در طی سال‌ها، با این سؤال مواجه شده‌اند که آیا ممکن است یک سند واحد همه زیرشاخه‌های حرفه حفاظت و همچنین مسائل ویژه ارائه شده توسط هر یک را پوشش دهد، و در راستای رسیدن به پاسخ این سؤال، قواعد اخلاقی خود را نوشته یا تجدیدنظر کرده‌اند.

– قواعد اخلاق احترام به یکپارچگی، ارزش‌ها و استانداردهای مشترک: به‌نظر می‌رسد دو اصل مشخص شده در اغلب قواعد قابل اجرا هستند. اول، هر قاعده به زبان‌های مختلف بیان می‌کند که عمل حفاظت باید با احترام به یکپارچگی شیء اداره شود. ECCO به سادگی بیان می‌کند که حفاظت‌گران، باید «با توجه به اهمیت زیبایی‌شناختی و تاریخی [اموال فرهنگی] و یکپارچگی فیزیکی آن کار کنند. AICCM به "یکپارچگی فیزیکی، تاریخی و زیبایی‌شناختی شیء" اشاره دارد، درحالی‌که CAC/CAP "یکپارچگی مفهومی" را به این لیست اضافه می‌کند. UKIC، با گنجاندن "دانش" همراه با احترام به موضوع، و با افزودن تمامیت فرهنگی، علمی و مذهبی به لیست متفاوت است. AIC بیان این که حفاظت‌گران باید با "احترام آگاهانه به اموال فرهنگی، شخصیت و اهمیت منحصر به فرد آن، و افراد یا افرادی که آن را ایجاد کرده‌اند"، این موضوع را کمی تغییر می‌دهد. صداقت، یک اصطلاح گسترده است که می‌توان آن را به عنوان یک وضعیت مجرد تعریف کرد. بر این اساس، این حس را منتقل می‌کند که چیزی نقض نشده است. اما قواعد

به صراحت بیان نمی‌کنند که چه چیزی چنین تخلف یا نقضی است، و تفسیر این کلمه را به‌عهده متخصصان می‌گذارند. بنابراین، تا زمانی که یک عملیات حفاظتی، سلامت یک شیء را به‌معنای کامل کلمه، مطابق با استانداردهای پذیرفته شده یک تخصص خاص نقض نکند، آنگاه اصل "احترام به یکپارچگی" به‌راحتی می‌تواند به‌عنوان پوشش همه موارد ذکر شده در بالا تفسیر شود. علاوه بر این، قواعد اخلاقی از اعضای خود انتظار دارند که دائماً برای دستیابی به بالاترین استانداردهای ممکن در تمام جنبه‌های کار حفاظتی خود تلاش کنند. این می‌تواند به این معنا باشد که هر حفاظت‌گر نه تنها باید درک کاملی از ارزش‌ها و استانداردهای مشترک مورد حمایت حرفه داشته باشد، بلکه باید بداند که این ارزش‌ها و استانداردها می‌توانند توسط متخصصان رشته‌های مختلف به‌طور متفاوتی تفسیر شوند. وقتی این دو اصل با هم جمع‌شوند، حفاظت‌گر را راهنمایی می‌کنند تا کاری را که به نفع شیء است انجام دهد، بدون اینکه جنبه‌های ملموس و غیرملموس آن به‌خطر بیفتد. علاوه بر این، AIC در راهنمای عمل خود در بخش رفتار حرفه‌ای بیان می‌کند که حفاظت‌گر باید همیشه منطبق با هدف منشور اخلاقی رفتار کند، و اضافه می‌کند که «تشخیص اینکه شرایط خاص ممکن است به‌طور قانونی بر تصمیم‌های حرفه‌ای تأثیر بگذارد، در چهارچوب اخلاقی گسترده‌تر به‌وسیله متخصصان امکان‌پذیر است. AIC در بازنگری اخیر قواعد و راهنمای عملی خود، گام‌های دیگری را برای رسیدگی به این تفاوت‌ها و الزامات خاص و روابط ویژه، با ضمیمه کردن یک سری توضیحات به راهنمای عملی خود برداشته است. این تفاسیر توسط گروه‌های تخصصی منفرد در AIC ایجاد شده است، تا توصیف دقیق‌تری از شیوه‌هایی ارائه کند که برای حوزه‌های مختلف تخصص حرفه‌ای، توسط شاغلین آن تخصص مناسب تشخیص داده شود. به‌منظور اثربخشی، قواعد اخلاقی باید به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشند تا بتوانند با رشد حرفه و رشد دانش و مهارت‌ها، با تغییرات سازگار شوند. زیرا در این فرآیند نگرش‌ها و استانداردها، ناگزیر تغییر خواهند کرد. البته باید بین مدهای گذرا و باورهایی که – اگرچه ممکن است بر عملکرد حفاظتی تأثیر بگذارند و ارزش‌های حرفه را به‌عنوان یک کل منعکس نکنند – تمایز قائل شد.

– قواعد اخلاق باسازی: در طول تاریخ، مرمت‌گران، گاهی ناخواسته، زیبایی‌شناسی، ارزش‌ها یا تفسیرهای خود را بر اموال فرهنگی تحمیل کرده‌اند. در بسیاری از موارد، به‌ویژه در مورد

آثار باستانی، مرمت ذائقه زمان یا فرهنگ خاصی را منعکس می‌کند و ارزش‌ها و نیازهای فرهنگ دریافت‌کننده را به جای ارزش‌های فرهنگ مبدأ آشکار می‌کند. هیچ یک از قوانین اخلاقی به‌طور خاص به موضوع درجات بازسازی نمی‌پردازند، زیرا ماهیت ذهنی آن، انجام آن را غیرممکن می‌کند. تصمیم‌گیری در مورد اینکه سطح مناسب ترمیم برای یک شی معین چیست، به صلاحدید حفاظت‌گر واگذار می‌شود، تا زمانی که او بر اساس اصل احترام به یکپارچگی شی اقدام کند. چنانچه در راهنمای قوانین عمل UKIC آمده است، که قبل از درمان، حفاظت‌گر باید مناسب بودن یک درمان و همچنین نیاز به آن را مشخص کند. راهنمای عملی CAC/CAPC با این موافق است و می‌افزاید که درمان باید «در حداقل میزان لازم» انجام شود. لازم به‌ذکر است که قوانین در مورد اهدافی که مرمت برای آنها انجام می‌شود، موضع محکمی اتخاذ می‌کنند. راهنمای عملی CAC/CAPC به صراحت بیان می‌کند که در صورت انجام بازسازی، باید «کاملاً مستند باشد و بدون قصد کلاهبرداری انجام شود... وجود و گستردگی هرگونه بازسازی باید قابل تشخیص باشد».

– **قواعد اخلاق برگشت‌پذیری:** در مواردی برخی اصول منتشرشده توسط قواعد، دیگر عملی یا امکان‌پذیر نیستند. در این موارد، قواعد برای اصلاح تغییرات در نگرش یا عملکرد اصلاح‌می‌شوند. به‌عنوان مثال، اولین قاعده اخلاقی حفاظت‌گران مؤسسه آمریکایی (AIC) اصل برگشت‌پذیری را شامل می‌شد. برگشت‌پذیری در حفاظت به این معنی است که هرگونه درمانی که روی یک جسم اعمال می‌شود باید این قابلیت را داشته باشد که در صورت عدم آسیب و تغییر در شی، بتواند بعداً خنثی و یا معکوس شود. علاوه بر این، هر ماده اضافه‌شده به شی مانند چسب، باید در هر زمان به راحتی قابل برداشتن باشد، بدون اینکه چیزی از آن باقی‌ماند. این اصل از مدت‌ها پیش در امر حفاظت وجود داشته و همواره به‌نظر می‌رسید یک الزام اخلاقی و مطلوب است. اما در طول یک دهه اخیر، حفاظت‌گران شروع به زیر سؤال بردن کل ایده برگشت‌پذیری کردند.

استفاده از تکنیک‌های مدرن تحلیلی در زمینه حفاظت باعث شد تا حفاظت‌گران تشخیص‌دهند که هیچ درمانی کاملاً برگشت‌پذیر نیست. این بدان معنا نیست که حفاظت‌گران از درمان اشیاء دست‌کشیده‌اند، بلکه آنها نسبت به پیامدهای

اعمال خود آگاه‌شده‌اند و قبل از درمان اشیاء، همه گزینه‌ها را با دقت درنظر می‌گیرند. در واقع، درمان را به‌عنوان یک سازش درنظر می‌گیرند و معتقدند که برای تثبیت وضعیت یک شی و جلوگیری از خراب‌شدن بیشترش، ممکن است لازم باشد مقداری از تغییرات نامطلوب را بپذیرد. در تشخیص و پذیرش این واقعیت که برگشت‌پذیر بودن درمان ممکن نیست، قواعد اخلاقی خود را اصلاح کرده و بخش مربوط به برگشت‌پذیری را حذف کرده است. هیچکدام از قواعد اخلاقی فعلی دیگر نیز آن را ذکر نکرده‌اند.

– **قاعده اخلاق حفاظت پیشگیرانه:** شاید عمیق‌ترین تغییر در روش حفاظت در طول یک دهه گذشته اتفاق افتاده باشد. تلاش‌های حفاظتی به‌طور پیوسته از درمان فعال اشیاء دور شده است. در نتیجه، هدف اصلی حفاظت به نگهداری معطوف شده است و در این راستا، تکنیک‌های حفاظت پیشگیرانه برای مراقبت از مجموعه‌ها تدوین شده است. قوانین اخلاقی کانادا، پیشگیری را تحت عنوان "کلیه اقدامات انجام‌شده برای جلوگیری از زوال و جلوگیری از آسیب‌رساندن به اموال فرهنگی، از طریق فراهم کردن شرایط بهینه انبارداری، استفاده و رسیدگی تعریف می‌کند." در سال‌های اخیر که مداخله محدود شده است، حفاظت‌گران بخش زیادی از وقت خود را برای شناسایی شرایطی که مجموعه‌ها را تهدید می‌کنند و سپس اقدام به تصحیح یا کاهش آنها به سطوح قابل‌قبول، صرف می‌کنند. حفاظت‌گران با کاهش عواملی که موجب افزایش خسارت و بدترشدن شرایط می‌شود، ضرورت درمان را ازبین می‌برند. این روند نه تنها از درمان فعال برای اشیاء جلوگیری می‌کند، بلکه می‌تواند نشانه‌ای از حرفه‌ای‌بودن باشد که به بلوغ رسیده است. تأثیر عمیقی که پیشگیری در زمینه حفاظت داشته است، به‌سرعت در قواعد اخلاقی و معیارهای عملی آن منعکس شد. هر دو UKIC و AIC در قواعد خود به حفاظت پیشگیرانه پرداخته‌اند. AIC حفاظت پیشگیرانه را یکی از جنبه‌های حفاظت ذکر می‌کند که در آن یک حفاظت‌گر باید در دستیابی به بالاترین استانداردهای ممکن تلاش کند. UKIC آن را در یک بخش جداگانه بیان می‌کند و در آئین‌نامه عملی خود می‌افزاید: "قبل از انجام درمان"، "هر عضو باید اهمیت حفاظت پیشگیرانه به‌منظور ارتقاء سلامت طولانی‌مدت دارایی فرهنگی درنظر بگیرد." این بدان معناست که درمان فعال تنها باید آخرین راه‌حل باشد. سازمان‌های دیگر نیز در استانداردهای

عملی خود به حفاظت پیشگیرانه پرداخته‌اند. CAC/CAPC و AICCM تأکید زیادی بر حفاظت پیشگیرانه می‌کنند، هر دو بیان می‌کنند که این امر باید "هدف اصلی حفاظت‌گر باشد و باید قبل از سایر اشکال مداخله در نظر گرفته شود."

– **قاعده اخلاق استاندارد واحد:** در نسخه‌های قبلی قواعد اخلاقی AIC و همچنین قواعد سایر سازمان‌های حفاظت، مفهوم استاندارد درمانی واحد به شدت تأکید شده است: حفاظت‌گر فارغ از ارزش یا کیفیت شیء، باید بالاترین و دقیق‌ترین استاندارد درمانی را در برخورد با آن رعایت کند". اساساً این بدان معناست که همه اشیاء باید کیفیت درمانی مشابهی را دریافت کنند. این در مواردی که حفاظت‌گران با انبوهی از اشیاء در مجموعه خود مواجه بودند (کتابخانه‌ها)، و با توجه به افزایش محدودیت‌های مالی، این قاعده به اندازه کافی انعطاف‌پذیر نبود. بنابراین دیدگاه اخلاقی فایده‌گرایی با تر درمان به‌منظور ایجاد بیشترین فایده برای بیشترین تعداد اشیاء عملی نشد.

به‌همین دلیل کمیته اخلاق و استاندارد AIC تصمیم‌گرفت که این قاعده را که "برای تأمین نیازهای در حال توسعه در زمینه حفاظت به اندازه کافی انعطاف‌پذیر نیست"، حذف کند. اما حفاظت‌گر همچنان ملزم شده است "تلاش کند تا به بالاترین استانداردهای ممکن در همه ابعاد حفاظت دست پیدا کند".

– **قاعده اخلاق حساسیت فرهنگی:** وقتی گروه‌های فرهنگی، نقش مهمی در نحوه نگهداری و مراقبت از مجموعه‌های متعلق به فرهنگ‌شان ایفا می‌کنند. حضور پررنگ این گروه‌ها، حفاظت‌گران را وادار می‌کند تا احساسات و حساسیت‌های این افراد نسبت به فرهنگ‌شان را، تصدیق کنند. مهم‌تر از این، اولویت‌ها و ارزش‌های آنها را که از لحاظ فرهنگی به اشیاء مجموعه‌های خود وابسته هستند، به‌رسمیت بشناسند حتی اگر با آنچه که تا به امروز در زمینه حفاظت انجام داده‌اند، تفاوت‌های چشمگیری داشته باشد. در نتیجه، آنها ممکن است بخواهند از این اشیاء به روش‌های دیگری مراقبت شود. بنابراین، حفاظت‌گر علی‌رغم پذیرش این تفاوت‌ها، با یک درگیری مواجه است. ممکن است احترام به یکپارچگی معنوی برخی از اشیاء، سلامت دیگر اشیاء را به‌خطر بیناندازد. درگیری‌های شدید هنگامی بوجود می‌آید که یک شیء برای زنده ماندن نیاز به مداخلات درمانی داشته باشد، اما انجام چنین درمانی خلاف خواسته گروه فرهنگی خاص باشد، که

شیء را ساخته است. بنابراین در چنین مواردی، حفاظت‌گران اموال گروه‌های فرهنگی خاص، بعضاً وقت زیادی را صرف می‌کنند تا حد و مرز مورد توجه قرار دادن این اولویت‌ها و ارزش‌ها را تعیین کنند، و در مواجهه با خواست و نگرانی آنها با استانداردهای حرفه‌ای خود به‌عنوان حفاظت‌گر تصمیم بگیرند. و بدیهی است که هدف نهایی انجام کارهایی است که به‌نفع شیء باشد.

این زمینه‌ای است که قواعد اخلاق در ارائه رهنمودها، اصلاً مؤثر نبوده‌اند. به‌خصوص که موضوعات مربوط به حساسیت فرهنگی بسیار پیچیده است. اگرچه قواعد استانداردهای رفتاری کلی و ایده‌آل از رفتار را ارائه می‌دهند که برای حرفه به‌طور کلی قابل استفاده است، اما نتوانسته‌اند در مواجهه با مشکلات خاص که باعث تغییر نگرش و عملکردهای ما شده است، مفید باشند. بازنگری‌های اخیر در قواعد مختلف کمی به سمت برآورده کردن برخی از این موضوعات رفته است. همان‌طور که در بالا گفته شد، همه اسناد، احترام به یکپارچگی شیء، شامل منحصر به فرد بودن آن، شخص یا افرادی که آن را ساخته‌اند (AIC, 1997)، و همچنین زمینه فرهنگی آن (UKIC) را گسترش داده‌اند، تا احترام به یک شیء را. CAC/CAPC با اشاره به "یکپارچگی مفهومی" پا را فراتر گذاشت تا جنبه‌های غیرممکن یک شیء و همچنین ویژگی‌های فرهنگی یا زمینه‌ای آن را نیز پوشش دهد. می‌توان استدلال کرد که این اظهارات نشان‌گر این واقعیت است که بعضی از اشیاء ممکن است نیازهای ویژه‌ای داشته باشند.

ICOM-CC به‌طور آگاهانه در سال ۱۹۸۴ برخی از این موضوعات را پیش‌بینی کرده است:

[حفاظت‌گر- احیاکننده باید از ماهیت یک شیء آگاه باشد. هر شیء حاوی پیام‌ها و داده‌های تاریخی، سبکی، نمادی، فنی، فکری، زیبایی‌شناختی و یا معنوی است. حفاظت‌گر- ترمیم‌کننده در مواجهه با این موارد هنگام تحقیق و کار روی شیء، باید نسبت به آنها حساس باشد، بتواند ماهیت آنها را بشناسد و در انجام وظیفه خود از آنها راهنمایی شود]. درحالی‌که این قواعد روش‌های متفاوتی برای درمان و مراقبت از اشیاء ارائه می‌دهند که ممکن است در بعضی مواقع مناسب باشد، اما در حل مناقشات ناشی از این مسائل برای حفاظت‌گران مفید نیستند. به‌عنوان مثال، همان‌طور که قبلاً دیدیم، احترام به یکپارچگی نامشهود یا مفهومی یک شیء ممکن است با حفظ وجوه دیگر جسم مغایرت داشته باشد. شاید نیاز باشد تعریف

اصطلاح حفظ با توجه به این مسائل تغییر و گسترش پیدا کند.

همه قواعد در حال حاضر بر اساس درک غربی از این کلمه ساخته شده‌اند. درحالی که مناسب است که این قواعد منعکس کننده دیدگاه حفاظت غربی باشند، آنها همچنین باید صراحتاً اعتبار سایر رویکردهای فرهنگی برای حفظ اشیاء را تصدیق کنند. آنها باید بدانند که در بعضی موارد، حفاظت به معنایی که در حال حاضر انجام می‌دهیم، تنها یکی از گزینه‌های بسیاری است که می‌تواند برای یک شیء خاص انتخاب شود و ممکن است تنها شکل اخلاقی حفاظت نباشد.

– **قاعده اخلاق قاچاق آثار تاریخی:** تجارت آثار تاریخی، مسائل اخلاقی دشواری را برای حفاظت‌گران باستان‌شناسی به وجود می‌آورد. آموزش باعث شده است تا امنیت و یکپارچگی مصنوعات یا اشیاء از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، قوانین اخلاقی بیان می‌کنند که کلیه کارهای حفاظت باید با احترام به تمامیت شیء اداره شود. با این حال، تصمیم برای معالجه می‌تواند مسایل بزرگ‌تر را نادیده بگیرد. هرکاری که توسط یک حفاظت‌گر انجام شود می‌تواند موجب تغییراتی در مصنوع شود که پیامدهای جدی در ارتباط با قاچاق آثار باستانی به همراه داشته باشد. درمان حفاظتی، حتی در ابتدایی‌ترین شکل تمیزکاری، می‌تواند ظاهر و در نتیجه ارزش یک مصنوع را تقویت کند: "اشیاء به صورت کیفی، فرسوده و شکسته می‌روند و پاکیزه، براق و کامل بیرون می‌آیند." این امر می‌تواند موجب افزایش تقاضا برای آثار باستانی و در نتیجه قاچاق این آثار شود، که موجب ترغیب به غارت اموال تاریخی خواهد بود. حفاظت همچنین می‌تواند شواهد حیاتی در شناسایی، اثبات یا بی‌اعتبار بودن ارزش تاریخی یک مصنوع را از بین ببرد. اگر یک حفاظت‌گر از درمان آثار باستانی مشکوک خودداری کند، کاملاً می‌داند که مالک می‌تواند از شخص دیگری برای این کار کمک بگیرد، با این احتمال که درمان مناسبی برای شیء انجام نشود، و یا روند درمان به درستی مستند نگردد.

حفاظت‌گر می‌تواند از معاینه، درمان و مطالعات فنی برای اعتبارسنجی آثار و صدور شناسنامه اصالت استفاده کند. چرا که در بسیاری موارد افزایش تقاضا در بازار عتیقه، موجب تولید و ورود آثار جعلی می‌شود که نیاز به شناسایی و اعتبارسنجی دارند. حرفه حفاظت در پرداختن به مسئله برخورد با اشیاء غیرقانونی حفر شده یا وارداتی یا سرقت‌شده، کند عمل کرده

است (باید توجه داشت که این موضوع تنها مسئله‌ای محدود به آثار باستانی نیست). قوانین اخلاقی در مورد اینکه آیا باید حفاظت‌گران به مطالب غیرحرفه‌ای بپردازند، تصمیم می‌گیرند

به عنوان یک نتیجه، UKIC بخش ۱,۱,۸ را در مورد مواد غیرقانونی در آئین نامه اصلاح شده اخیر خود آورده است که می‌گوید: وقتی حفاظت‌گر می‌داند یا در هر مرحله‌ای آگاهی پیدا می‌کند که بر روی اموال مسروقه‌ای کار می‌کند که به طور غیرقانونی از کشور مبداء خود خارج شده یا به طور غیرقانونی به کشور مقصد وارد شده است، وظیفه دارد که این موضوع را به مقامات مربوط گزارش کند.

در قانون AIC آمده است که کلیه اقدامات حفاظت‌گر باید با "احترام آگاهانه به مالکیت فرهنگی" اداره شود، که می‌تواند به عنوان پوششی برای موضوع مواد مسروقه یا غیرقانونی تفسیر شود.

– **قاعده اخلاق اجرا:** حوزه‌ای که به نظر می‌رسد همه قواعد از هم پاشیده‌اند، حوزه اجراست. AIC تنها سازمانی است که در قالب یک دستورالعمل ویژه به این موضوع می‌پردازد. در بخش مربوط به سوء رفتار اظهار می‌دارد که رفتارهای غیراخلاقی باید به مقامات گزارش شود و می‌افزاید: "نقض آیین نامه و دستورالعمل‌هایی که رفتار اخلاقی را تشکیل می‌دهند ممکن است منجر به اقدامات انضباطی شود." اما چگونه می‌توان این کار را عملی کرد؟

تنها اقدامات تنبیهی که این سازمان‌ها می‌توانند انجام دهند، ابطال عضویت است، اما این به معنای آن نیست که مانع از کار حفاظت‌گر یا به خطر افتادن شغل وی می‌شود. برخلاف حرفه‌های دیگری مانند پزشکی، معماری و ... آیین‌نامه‌های رفتار اخلاقی حفاظت دارای مجوز یا اعتباربخشی نیست. در نتیجه، هیچ راهی برای نظارت و تربیت افراد متعهد به کار حفاظت وجود ندارد. بخشی از این مشکل در این واقعیت نهفته بود که هیچ استاندارد آموزشی واحد و هیچ دانش استاندارد پذیرفته شده‌ای برای این حرفه به طور جامع وجود ندارد. برنامه‌های آموزشی بی‌شماری در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا وجود داشت و دارد که تفاوت‌های قابل توجهی بین آنها دیده می‌شود. با این حال در طی این سال‌ها این برنامه‌ها توانسته‌اند، تا حدودی استانداردهایی را برای این حرفه تعیین کرده‌اند. در ابتدا این برنامه‌ها مانند خود حرفه، فعالیت‌های عملی بودند، اما به تدریج سخت‌گیرانه‌تر و علمی‌تر شده‌اند

نتوانسته‌اند تغییرات را در این حرفه تطبیق دهند و سازمان‌های مختلف حفاظتی مجبور به تجدیدنظر در این اسناد شده‌اند. در نتیجه آن، به‌عنوان مثال، موضوع برگشت‌پذیری دیگر در قواعد ذکر نشده است، درحالی‌که حفاظت پیشگیرانه در همه قواعد جایگاه برجسته‌ای پیدا کرده است. با وجود این، قواعد برای همه مسائل به یک اندازه موفق نبوده‌اند، همان‌طور که در مورد تجارت آثار باستانی دیده می‌شود. درحالی‌که برخی از قواعد دارای بخش‌هایی هستند که به این موضوع پرداخته، اما خیلی قوی نیستند و به‌طور مستقیم به موضوع کار بر روی مواد غیرقانونی اشاره نمی‌کنند. همچنین قواعد برای موقعیت‌های خاص، همچون مسائل پیچیده ارائه شده توسط حساسیت فرهنگی، که برخی از تخصص‌ها با آن مواجه هستند، راهنمایی نمی‌کنند. در غیاب هرگونه تحریم، مجازات، یا فرآیندی برای مقابله با تخلفات، قواعد و استانداردهای سازمان‌های حفاظتی می‌توانند تنها به‌عنوان اسنادی باقی بمانند و اعضای آن‌ها را تشویق کنند تا از راهنمایی‌های خود برای دستیابی به رفتار و عملکرد حرفه‌ای مناسب پیروی کنند. پس می‌توان این‌طور استنباط کرد که قواعد با ایجاد زمینه‌های مشترک از ارزش‌ها، نه تنها می‌توانند رفتار مورد انتظار حفاظت‌گران از خودشان را تعیین کنند، بلکه دیگران خارج از این حرفه نیز می‌توانند تعیین کنند که حفاظت‌گران چگونه باید رفتار کنند.

نتیجه‌گیری

با مروری بر مفهوم و جایگاه اخلاق در حفاظت از آثار تاریخی، و نیز قواعد اخلاقی این حوزه می‌توان گفت که این قواعد به‌منظور شناسایی مرزهای این حرفه نوشته شده‌اند و هدف آن‌ها حفاظت از سرمایه عمومی، به‌دست آوردن سرمایه و تأیید اجتماعی برای این حرفه است. به همین جهت، قواعد اخلاق حرفه‌ای باید به‌جای علایق حرفه‌ای، بر منافع بشریت تمرکز کنند و اخلاق حفاظت نیز باید با توجه به ارزش‌های جهانی و تمرکز بر ارزش‌های فرهنگی توسعه یابد. اخلاق حفاظت که بر اساس دستاوردها و ارزش‌های جهانی بشری و در طول تاریخ شکل گرفته است، باید به حفاظت به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی به شیوه‌ای جامع بنگرد و آن را به حرفه‌ای که در انحصار حفاظت‌گران است محدود نکند و تقلیل ندهد. به‌نظر می‌رسد که اخلاق حفاظت امروزی، همان‌طور که از دل قواعد مطالعه شده در این مقاله درآمده است، بر مسئولیت‌های شخصی حفاظت‌گران متمرکز است و

که این امر در کل حرفه بازتاب یافته است. بسیاری از حفاظت‌گران، به‌ویژه افراد مسن‌تر، به شیوه سنتی و کارآموزی استاد و شاگردی دانش خود را به‌دست آورده‌اند. با پیشرفت حرفه، شرایط حفاظت‌گران رسمی دشوارتر شده است، و امروزه دستیابی به شغل نهادی بدون آموزش رسمی غیرممکن است اما از آنجا که به‌طور کلی هیچ سیستم نظارتی برای فعالیت‌های تخصصی که توسط افراد صورت می‌گیرد، وجود ندارد، بنابراین هیچ اقدامی هم که بتواند جلوی فعالیت نادرست و بی‌توجه به تخصص حفاظت‌گر را بگیرد، وجود ندارد. قواعد اعضای خود را به "تمرین در محدوده صلاحیت شخصی و آموزشی" تشویق می‌کنند. حفاظت‌گران فقط می‌توانند این قواعد را در راستای هدایت مهارت‌ها و توانایی‌های فنی خود و نه مهارت‌ها و دانش‌های فکری تفسیر کنند. متأسفانه، عموم مردم به اندازه کافی تحصیل کرده نیستند که قادر به تشخیص تمایز بین رفتار مناسب و نامناسب، اخلاقی و غیراخلاقی باشند، بنابراین بعید است که بتوانند مدارک معتبر حفاظت‌گر را بررسی و صلاحیت او را تعیین کنند. مسئله اجرایی از سال ۱۹۹۳ و باز هم توسط AIC و سپس سازمان‌های حفاظت دیگر مورد توجه قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که این نگرانی موجب شده تا AIC کمیته اخلاق و استانداردهای خود را به مطالعه اجرای قانون مجبور کند، و در اقدامی غیرمعمول، از اعضای خود بخواهد که پیشنهادات خود در مورد چگونگی اجرای قانون را ارائه دهند. یکی از راه‌حل‌های مطرح شده، اعتباربخشی و تعیین صلاحیت است. اعتباربخشی به‌معنای: "ارزیابی و شناخت دانش، کار و شیوه‌های اخلاقی فرد توسط یک ارگان سازمان‌یافته و شناخته‌شده با تخصص و کارکرد مشابه است". این ارزیابی براساس استانداردهای تعیین‌شده توسط نهاد معتبر و قواعد اخلاقی حرفه‌ای تعیین می‌شود. بنابراین، به‌نظر می‌رسد اعتباربخشی تنها راه برای ایجاد هر نوع تنظیم حرفه‌ای در حفاظت است.

اگرچه، بسیاری از مسائل دیگر برای حفاظت مهم هستند و می‌توان آنها را در اینجا ذکر کرد، مثال‌های بالا نشان می‌دهند که قوانین اخلاقی سازمان‌های حفاظت در بیشتر موارد در بیان اصولی که باید کار حفاظت‌گر را هدایت کند، موفق هستند. همچنین ثابت شده است که این اصول به اندازه کافی گسترده و همچنین به اندازه کافی انعطاف‌پذیر هستند. همان‌طور که این حرفه تکامل یافته و رشد کرده، فشارهایی بر روی قواعد وارد شده است. در نهایت، فشار به‌حدی رسیده است که قواعد

سخن‌پرداز، علی. (۱۳۸۸). اخلاق در مرمت. هنر، معماری و مرمت ابنیه تاریخی، ۵ فروردین از تارنمای

<https://eskanara.blogspot.com/05/01/1389/post27/>.

- نیگل، تامس؛ فرانکنا، ویلیام؛ برنت، ریچارد؛ ناول اسمیت، پاتریک؛ سینگر، ماکوس؛ آرمسترانگ، والتر؛ دنسی، جانانان و ... ادروادز، پل؛ ام. بورچرت، دونالد (ویراستار). (۲۰۰۶). دانشنامه فلسفه اخلاق (مقدمه، ترجمه و تدوین انشاءالله رحمتی). (۱۳۹۲). تهران: سوفیا.

- مشایخی، رضا. (۱۳۹۰). اخلاق ارسطو (به کوشش فرید مرادی). تهران: نگاه.

- فرانکنا، ویلیام کی. (۱۹۷۳). فلسفه اخلاق (ترجمه انشاءالله رحمتی). (۱۳۹۶). تهران: حکمت. (کتاب اصلی در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است).

- ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۹). مهر ماندگار: مقالاتی در اخلاق‌شناسی. تهران: نگاه معاصر.

- AIC. (1994). Code of Ethics and Guidelines for Practice. Nashville: American Institute for Conservation of Historic and Artistic Works. <http://www.conservation-us.org/about-us/core-documents/code-of-ethics-and-guidelines-for-practice/code-of-ethics-and-guidelines-for-practice>.

- AIC Committee on Ethics and Standards. (1997). Code of ethics and Standards of Practice. Washington: American Institute for the Conservation of Historic and Artistic Works.

- AICCM. (2002). Code of Ethics and Code of Practice. Canberra: Australian Institute for Conservation of Cultural Material.

[https://Aiccm.org.au/wp-content/uploads/01/2020/Code of Ethics and Code of Practice Australian Institute for Conservation of Cultural Material1.pdf](https://Aiccm.org.au/wp-content/uploads/01/2020/Code%20of%20Ethics%20and%20Code%20of%20Practice%20Australian%20Institute%20for%20Conservation%20of%20Cultural%20Material1.pdf)

- Australia ICOMOS. (2013). The Burra charter:

تصویر بزرگ‌تر را که شامل ساختار اجتماعی، قدرت، نگرش‌ها و رفتارهای غیراخلاقی حرفه و سازمان‌های حرفه‌ای است، نادیده گرفته است. بنابراین، می‌توان گفت که حفاظت به یک عمل شخصی تقلیل یافته و هر عنصر دیگری مانند روابط بین مردم و اثر، خارج از اعمال شخصی تلقی می‌شود و از آن حذف شده است. در این مورد، توجه به ملاحظات اخلاقی پروژه‌های توسعه یافته توسط نهادهای مختلف که ممکن است اثرات اجتماعی و فرهنگی جدی داشته باشند، در شرح وظایف حفاظت‌گران گنجانده نشده است، و به نظر می‌رسد که خارج از علایق حفاظت‌گران نیز هست. بنابراین، حفاظت‌گران علاوه بر مسئولیت‌های اخلاقی در اعمال شخصی خود، باید نسبت به مسئولیت‌های اخلاقی همه دست‌اندرکاران نیز حساس باشند و نسبت به کارهای دیگران و همچنین کارهای خود احساس مسئولیت کنند. قدرت و مسئولیت جمعی حفاظت‌گران ایجاب می‌کند که از اعمال غیراخلاقی در حفاظت جلوگیری کرده و آن را متوقف کنند. به همین دلیل، سه شرط مهم باید رعایت شود تا اخلاق حفاظت به عنوان یک مسئولیت اخلاقی رونق یابد. اولین مورد از این شرایط، فراتر رفتن از مرزهای حرفه و توجه به حفاظت در چهارچوب کلیه فعالیت‌های اجتماعی مربوطه و شامل تعهد نسبت به همه فعالان این عرصه است. مورد دوم، دور شدن از اسناد رفتار حرفه‌ای که مسئولیت‌های شخصی حفاظت‌گران را توصیف می‌کنند و حرکت به سمت درک جمعی از مسئولیت‌های اخلاقی می‌باشد؛ و شرط سوم این است که برای جلوگیری از زیان‌های احتمالی ناشی از تعریف مسئولیت‌های جمعی، ضمن بازخوانی و تبیین اصول اخلاق حرفه‌ای و توجه به هنجارهای جهانی، با تمرکز بر ارزش‌های انسانی، و هنجارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی... ملی، قواعدی ملی برای حفاظت اخلاقی تدوین کنیم.

منابع

- ارژمند، محمود؛ امین‌پور، احمد. (۱۳۹۴). نقش مرمتگر در مرمت ابنیه‌ی حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی: تأملی بر مبانی رویکردهای مرمتی در دانش مرمت بر اساس عامل انسانی مرمت. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. شماره ۹۸-۹۹، ۱۱۰.

- دریایی، نازیلا. (۱۳۹۵). اخلاق و میراث فرهنگی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. شماره ۲. ۱۹-۲۸.

The Australia ICOMOS charter for places of cultural significance. <http://australia.icomos.org/publications/charters/>. Accessed April 2013 ,2.

- Ashley-Smith, J. (2009). The Basis of Conservation Ethics. In A. B. Alison Richmond (Ed.), *Conservation: Principles, Dilemmas and Uncomfortable Truths*. 24-7.

- Brandi, Cesare. (1977) and 2000, *Teoria del Restauro*, Torino, Giulio Einaudi Eds.

- Byrne, D. (2014). *Counterheritage: critical perspectives on heritage conservation in asia*. 1st ed. London: Routledge.

- Budapest University Of Technology And Economics. (2002). *Code Of Ethics*. Approved by the University Board at its meeting on June 2002 24. Consolidated with the resolution of the Senate adopted on October 2009 26.

- CAC & CAPC. (2000). *Code of Ethics and Guidance for Practice of the Canadian Association for Conservation of Cultural Property and of the Canadian Professional Conservators*. Ottawa: CAC & CAPC.

- Cohen-Charash, Y., Spector, P. E. (2001). *The Role of Justice in Organizations: A Meta-Analysis*. University of California, Berkeley

- Clavir, M. (1998). The Social and Historic Construction of Professional Values in Conservation. *Studies in Conservation*. 8-1 , (1)43.

- Delgado Rodrigues J. Mimoso J. M. [Ed]. (2006). *Theory and practice in conservation : proceedings / International Seminar Theory*. Lisbon: Laboratório Nacional de Engenharia Civil.

- Drysdale L., (1988) *The eternal triangle: Relationships between conservators and their objects*. *Conservation Today*. UKIC Anniversary Conference. Todd V (ed). UKIC 20-19

- Gavin, M., Mccarter, J., Mead, A., & Berkes, F. (2015). Defining biocultural approaches to conservation. *Trends in Ecology and Evolution*, 145-140 ,(3)30.

- Goldman, Alan H. (1980). *The moral foundations of professional ethics* , (ed.) Totowa, N.J.: Rowman & Littlefield.

- International Scientific Committee for Theory and Philosophy of Conservation and Restoration ICOMOS. (2019) *Conservation Ethics Today: are our conservation-restoration theories and practice ready for the 21st century?*. Edit by ursula schödler-saub, bogusław szmygin, lublin university of technology.

- Kapelouzou, I. (2012). The inherent sharing of conservation. *Studies in Conservation*, ,(3)57 182-172.

- Karlström, A. (2013). Local heritage and the problem with conservation. In S. Brockwell, *Transcending the Culture–Nature Divide in Cultural Heritage: Views from the Asia–Pacific region*. 156-141. University of Queensland, Brisbane, Australia: ANU Press.

- Kemp, J. (2009). *Conservation: Principles, Dilemmas and Uncomfortable Truths*. 60: Oxford: Routledge.

- Mansfield, John R. (2008). *The ethics of conservation: some dilemmas in cultural built heritage projects in England*, Engineering,

Construction and Architectural Management.

- Matero, F. (2000). Ethics and Policy in Conservation. Getty newsletters, 15.1.

- Matthes, E. H. (2016). The ethics of historic preservation. The ethics of historic preservation, 794-786.

- Meskell, L. (2010). Human Rights and Heritage Ethics. Anthropological Quarterly, 859-839 ,(4)83.

- Muñoz Vinas, S. (2005). Contemporary Theory of Conservation. Translate by: k. Samanian. (2016). Tehran: Samt. (In Persian).

- Muñoz Vinas, S. (2020). On the ethics of cultural heritage conservation. London: Archetype.

- O'Keefe, P.J. (1998), Codes of Ethics: Form and Function in Cultural Heritage Management. International Journal of Cultural Property, ,(1)7 51-32. doi:10.1017/S0940739198770055.

- Owczarek, Nina. (2023). Prioritizing People in Ethical Decision-making and Caring for Cultural Heritage Collections. by Routledge.

- Peterson, D., Hanazaki, N., & Berke, F. (2020). Do We All Speak the Same Language When Talking Conservation? Caiqara. Conservation & Society, 251-238.

- Pritchard. J. (1997), Codes of Ethics. Encyclopedia of Applied Ethics. 533-527. Academic Press. London

- Rodeny W. Kilcup. (1979). Reason and the Basis of Morality in Burke. Journal of the History of Philosophy. 284-271 ,(3) 17.

- Rowney, B. (2004). Charters and the ethics of conservation: a cross-cultural perspective. Adelaide: unpublished PhD thesis, School of Architecture, Landscape Architecture and Urban Design, University of Adelaide.

- Saaze, V. V. (2013). Key Concepts and Developments in Conservation Theory and Practice. In V. V. SAAZE, Installation Art and the Museum. pp. 59-36. Amsterdam University Press.

- Sease, C. (1998). Codes of ethics for conservation. International Journal of Cultural Property, -98 ,(1)7 115.

- Smith , C., & Scott , M. (2009). Ethics and Practice: Australian and NewZealand conservation contexts. In C. Smith, M. Scott, A. Bracker , & A. Richmond (Eds.), Conservation: Principles, Dilemmas, and Uncomfortable

- Soderland, H., & Lilley, I. (2015). The fusion of law and ethics in cultural heritage. Journal of Field, 522-508 ,40:5. Truths. 194-184 ,17.

- Tamara Sevy, Rivka. (2012) , Ethics in Conservation of Original Materials.

- Watkinson, D. (2006). ethical challenge in the conservation of cultural material. In D. Watkinson, ethics, law and society. Routledge.